

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۸۷

مُقَطَّعات

۸۸

ای بزرگی، کز پی کسب سعادت اختران
در دبستان جلالت از پی تکرار درس
باز فکرت در پی مدحت شود فرسوده پر
صفت بار تو دیدم بارها، گفتم به دل
این نه خورشید است بل در بحر موج سپهر
سرور! سلطان انجم^۱، بر مراد خاطرت
وندین موسم ز جنس مردم از نو تا کهن
شال من کهنه ست، ازان بر خوشتن پیچم همی
هرزمان گیرند از بخت بلندت فال نو
سر به زیر افکنده چرخ پیر، چون اطفال نو
باز برخود بالذ از لطف، چو یابد بال نو
کو ارسطو، کاورد برهان برین اشکال نو
عکس اقبال تو هر روز افکند، تمثال نو
دور سال کهنه را طی کرد و آمد سال نو
هرکه بینی کهنه بگذارد، رود دنبال نو
همتی تا پیچم از لطف تو، بر سر شال نو

* * *

^۱ "سلطان انجم" کنایه از "آفتاب" است.